رویای نافرجام طبقه متوسط

ادامه از صفحه اول

دولت به‌مثابه نهادی که به‌قدر کافی دانش دارد تا پیچیدگی‌های روابط و جنبش‌های توده‌ای و ویژگی‌های کمی و کیفی آنها را توضیح دهد، به‌مثابه مخلوقی مدرن که از شرایط جامعه‌ای مدرن سر برآورده و قادر به درک پیچیدگی‌های مدرن آن است؛ تنها نهادی که قادر به درک «منافع عمومی» و پرداختن به این چالش‌هاست. دولت به‌عنوان آن نهادی که از ظرفیتی ممتاز برخوردار است که «واقعیت» را بشناسد، دولتی که با خود آشکار و شفاف است و در حقیقت اصلِ دولت «در خود اندیشیدن» است. دولتی که باید متشکل از افرادی باشد که «سیستم عصبی» جامعه و حساسیت‌های ظریف و علنی آن را کنترل می‌کنند، پس باید به‌روشنی گرایشی روشنگرانه به امر عمومی و منافع عمومی داشته باشند. در تعریفی جذاب‌تر اما کماکان در دسترس دولت به‌مثابه نهادی که به یک معنا قرار است اعضای آن از زمانه خود جلوتر باشند؛ آنها با دانش و «سرشتی سیاسی» عمل می‌کنند که تصور می‌شود توده‌ها از انجامش ناتوان هستند. در تمام انتخابات‌های پرشور تاریخ جمهوری اسلامی پس از پایان جنگ (۱۳۷۶، ۱۳۸۰، ۱۳۸۸، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶) رؤیای ساخت چنین دولتی آحاد ملت را پای صندوق‌های رأی کشانده است. اصلا دولت رؤیایی‌ترین دریافت مدرن جامعه ما از امر سیاسی بوده است. بی‌اندازه برای آن احترام قائل بوده و بی‌اندازه به سازوکار اصلی که منجر به تشکیل یک دولت مدرن می‌شود، وفادار بوده است: انتخابات. جامعه همواره درس‌هایش را از تجربه‌های انتخاباتی خود گرفته و به شکلی بی‌امان سعی کرده است هرگز از گفت‌وگوهای دموکراتیک و کثرت‌گرایانه برای بهبود و بازتنظیم رفتارهای انتخاباتی خود دست نکشد. آنجا که لازم بود سخاوتمندانه خود را به خاطر ساخت دوقطبی غیرضروری و مبتنی بر هیجانات در انتخابات مجلس ششم علیه مرحوم هاشمی‌رفسنجانی نقد کرده است و جایی دیگر برای وفادار نشان‌دادن خود به صندوق، پیروزی شدیدا متزلزل محمود احمدی‌نژاد در دور نخست انتخابات سال ۸۴ را پذیرفت، در سال ۹۲ با رجوع دوباره به صندوق رأی بر این واقعیت تأکید کرد که اول و آخر خواسته‌های سال ۸۸ بر سر آن بود که نهاد انتخابات -این دستاورد جمهوری‌خواهانه، درخشان و انقلابی- دچار آفت نشود؛ مشارکت عظیم در انتخابات سال ۹۶ هم جز این نبود که جامعه ملتهب از تحولات تلخ سیاسی در منطقه (کودتای نافرجام در ترکیه، جنگ داخلی خونین در سوریه، عراق، یمن، لیبی؛ استبداد آهنین در مصر و بحرین و ارتجاعی‌ترشدن ساختار قدرت در سعودی و دیگر شیخ‌نشین‌های خلیج فارس) و همچنین خیزش نخبگان فاشیست و توده‌گرا در ایالات متحده، بر آن بود در مواجهه با توفانی که برای درنوردیدن نظم بین‌المللی موجود به پا خاسته دست‌کم از طریق افزایش رأی رئیس‌جمهور مستقر مشتاقانه به دولت و حاکمیت برای خارج‌کردن کشور از این گردنه کمک کند. با وجود این تلاش‌های پرشور، بربریت عظیمی که دونالد ترامپ و متحدانش در اسرائیل، عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای فروپاشی اقتصادی کشور بروز دادند سلسله‌ای باورنکردنی از بحران‌های سیاسی و اجتماعی به بار آورد که همگی تلقی طبقه متوسط از مفهوم دولت را زیروزبر می‌کرد. در بازه‌ای سه‌ساله نرخ ارز ۱۰ برابر افزایش یافته بود، تورم لجام‌گسیخته توانسته بود «نفرینی جدید» وارد سیاست خیابانی کند، طبقه‌ای سابقا فقیر و آبرومند که در دگرگونی‌های اقتصادی اخیر تماما گرفتار شده بودند با افزایش قیمت بنزین در آبان ۹۸ در قامت فاعلانی خشمگین وارد خیابان شده بودند و با سویه‌های نوستالژیک تمام نمادهای مدرنیته را طلب می‌کردند. این بازیگر جدید به‌طور اساسی توانست تلقیِ فراگیر و لیبرالی جامعه از دولت مدرن، به‌مثابه نهادی مملو از نبوغ را که از طریق درک «ابرضرورت‌ها» قادر به پیشگیری از «ابرعفونت‌ها» است، به‌شدت مخدوش کند. وادادگی کابینه روحانی در برابر مشکلات و بحران‌ها، هم‌زمان علنی‌شدن فسادهای بی‌شمار در میان مدیران ارشد نیروهای میانه‌رو، تعادل روانی جامعه‌ای دولت‌گرا را به شدیدترین شکل بر هم زد.

تراژدی بیش‌بینی‌پذیرشدن انتخابات

به شکلی ناامیدکننده پاسخ به ناکامی تمام‌عیار کابینه روحانی در برآورده‌سازی تلقی‌ها و انتظارات حداقلی جامعه از دولت، نه ایجاد زمینه‌هایی برای گفت‌وگوهای ملی پیرامون چگونگی بازسازی این نهاد آسیب‌دیده و بازگرداندن منزلت به این تاج سیاست مدرن، که تجدیدنظر جدی و بنیادین درباره نهاد انتخابات و اصلا خودِ معنا و مفهوم نمایندگی و نزاع سیاسی بود. این تجدیدنظرطلبیِ اساسی نه‌تنها امکان رقابت چهره‌های مشهور اصلاحات در انتخابات ۱۴۰۰ را منتفی می‌کرد، نه‌تنها چهره‌های میانه‌رویی را که پیش‌تر در انتخابات تحمل می‌شدند، فاقد صلاحیت قلمداد می‌کرد، بلکه حتی ضرورتی نمی‌دید میان شوالیه‌های خود اصولگرایان هم دوئلی انتخاباتی برگزار شود. نتیجه این تجدیدنظرطلبی بنیادین یک چیز بود، اینکه انتخابات «کاملا پیش‌بینی‌پذیر» شده بود! طبقه متوسط با پذیرش شکست در پیشبرد گفتمان خود مبنی بر ساخت دولت از طریق انتخاباتی با رقابت حداقلی اما کماکان منصفانه با قهری کماکان مسالمت‌آمیز از کنار این تجدیدنظرطلبی گذشت. در یک سال گذشته طبقه متوسط منتظر مانده تا کابینه جدید که بدون رقابت‌های مرسوم انتخاباتی قدرت را در دست گرفته راه‌حلی برای اضطراب‌های بنیادین جامعه ارائه کند: کنترل تورم، کنترل فقر، کاهش نابرابری، بازتنظیم روابط بین‌المللی در جهان پساترامپ، چیرگی بر بحران محیط زیست و غلبه بر آنومی شدیدی که به‌واسطه تحقیرهای پیاپی اقتصادی و سیاسی در روابط اجتماعی حاکم شده است. نتیجه اما ناامیدکننده بوده است. مذاکرات بی‌پایان برای احیای برنامه جامع اقدام مشترک جامعه را دچار هیستری مضاعف کرده است، تورم در اواخر بهار امسال به ۵۰ درصد نزدیک شد، ارابه فقر کماکان روی تن فقرا به پیش می‌رود و رئیس قوه مجریه و کابینه‌اش کمترین نظریه و دانشی پیرامون اینکه به چه ترتیب قرار است این بحران‌ها را حل‌وفصل کنند ارائه نمی‌کنند. امروز چهره‌هایی در حاکمیت تحلیل درستی دارند و می‌اندیشند ریشه اعتراضات شهریور و مهرماه صرفا سلب آزادی‌های اجتماعی نبوده است اما این تحلیل آن‌قدر جلو نمی‌رود که به این نتیجه برسد، این تشویش و اضطراب درون‌ماندگار که آتش منازعات خیابانی را اینجا و آنجا شعله‌ور می‌کند در ذات مدرن خود ریشه در تجربه‌های دقیق جامعه از این واقعیت دارد که بدون برخورداری از دولتی که از ابزارهای فکری فوق‌العاده و ظرفیت‌های اخلاقی و علمی چشمگیر و شگرف برخوردار است، امکان رویارویی با این بحران‌های پیچیده و چندلایه میسر نیست. و تجربه‌ای که از چهار سال دوم دولت روحانی و یک سال اول دولت رئیسی به‌دست‌آمده این است که ساخت دولتی با کارکردهای فرانهادی که باید «مسند دانش» و «گنجینه سیاست‌گذاری» باشد تنها از طریق انتخاباتی با درجات بسیار شدیدتری از رقابت‌پذیری دموکراتیک‌بودن در مقایسه با انتخابات‌های دو دهه اخیر (انتخابات ۱۴۰۰ که جای خود) میسر است.

اپیدمی ناامیدی

طبقه متوسط نسبت به سمت‌وسوی مملکت دچار اضطراب است و از این بابت به حقیقت نزدیک شده است. همواره فقدان دولت مدرن (یعنی دولتی که به شکل دموکراتیک بر سر کار آمده باشد، به دانش عظیمی دسترسی داشته و منافع عمومی را بالاتر از همه‌چیز بداند) دو پیامد مهم دارد که ثبات اجتماعی مدرنیته را به خطر می‌اندازد. اول نابرابری را به شکل عظیمی افزایش می‌دهد که منجر به برهم‌خوردن تعادل روانی می‌شود، دوم آنکه بسیاری از مردم هم به معنای نسبی و هم به معنای مطلق «جا» می‌مانند و البته دست‌کم در سال ۹۸ مشخص شد که جاماندگان دیگر تقدیر خود را نمی‌پذیرند و با تحمیل ویرانی‌های شدید به مدرنیته‌ای که آنها را ندیده از پذیرش سرنوشت خود سرباز می‌زنند. طبقه متوسط متقاعد شده که رقابت‌پذیری در انتخابات بعدی نه‌تنها سروشکل قابل‌قبول‌تری به خود نخواهد گرفت بلکه احتمالا با پسرفت هم مواجه خواهد شد. سروشکل برگزاری انتخابات سال ۱۴۰۰ این بیم بنیادین را به طبقه متوسط داده است که ساخت دولت مدرن از طریق انتخابات دشوار شده است. امروز طبقه متوسط احساس می‌کند تا مدت‌ها دولتی از آن خود نخواهد داشت و هم‌زمان با التهابی شدید تصور می‌کند این فقدان منجر به عمیق‌ترشدن بحران‌های کنونی و همچنین بروز بحران‌های جدید خواهد شد. درس هول‌آوری که تاریخ به طبقه متوسط داده این است که شکست پروژه‌های روشنفکری منجر به هجوم توده‌ها می‌شود و آنها از ابزارهای عوام‌فریبانه و ویرانگر برای بازسازی نظم اجتماعی استفاده می‌کنند و همه بازنده خواهند شد. در حال حاضر طبقه متوسط راه‌حل سیاسی در اختیار ندارد و از این منظر «اپیدمی ناامیدی» تسری پیدا کرده است. نهاد انتخابات برایش ازدست‌رفته است و هم‌زمان تصور می‌کند سیاست خیابان -به دلیل هژمونیک‌شدن نیروهای برانداز قادر به ساخت یک آنتاگونیسم سیاسی پیش‌برنده و برخوردار از گفتمان دموکراسی‌خواهانه که دولتمردان را مجاب به بازسازی نهاد انتخابات کند، نیست. فضای ناامن جهانی و بروز بحران‌های اقتصادی و سیاسی در اروپا و آمریکا و رفتارهای حیرت‌آور این کشورها در نابودسازی دیگر ممالک در دو دهه اخیر هم طبقه متوسط در ایران را بیش‌ازپیش نسبت به مشارکت در هر پروژه‌ای که نتواند پیامدهای آن بر تمامیت ارضی را تماما پیش‌بینی کند بدبین کرده است. رؤیای ساختِ دولت به‌مثابه نهادی روشنفکر و توانمند که دیالکتیکِ امید و هراس را در جامعه برقرار می‌کند، به آن هم‌زیستی می‌بخشد و این دو را برای پیشروی در هم می‌آمیزد در این لحظه مدفون شده است. در فقدان این دیالکتیک، هراس دست بالا را پیدا کرده است و اضطرابی تپنده سیاست اجتماعی طبقه متوسط را به پیش می‌برد. به‌صورت پراکنده در منازعات خیابان حضور پیدا می‌کند اما با تصور اینکه مبادا وارد یک ابرپروژه خشن و ویرانگر شده باشد، از آن خارج می‌شود و مضطرب‌تر از قبل با شرایط پیش‌رو چشم در چشم می‌شود. کماکان تنها امیدش این است که کابینه‌ای که با حذف دیگر رقبا قدرت را به دست گرفته است، دست‌کم بتواند از طریق تفاهم با غرب به تورم شدید و بی‌ثباتی روانی ناشی از آن، برای چند سالی پایان دهد. جز این تقریبا هیچ امیدی به کابینه کنونی ندارد. از نگاه طبقه متوسط دولت «ظاهرا» در ایران وجود دارد، اما شبیه تصور یک جامعه مدرن از دولتی مدرن نیست، به قول هگل «دستی وجود دارد، اما واقعیت ندارد».

ادامه از صفحه اول

فرم‌های سخن‌گفتن نقد و اعتراض جامعه

لازم است همه فرم‌ها و صورت‌های سخن‌گفتن، نقد و اعتراض مورد بازبینی قرار گیرد و دولت‌ها نیز سعی کنند این اشکال ارتباط جامعه با دولت به‌ویژه برای منتقدان و معترضان به سیاست‌ها، قوانین و رویه‌ها را به رسمیت بشناسند و به شکل زیرکانه‌ای آنها را تغییر ندهند. با به رسمیت شناختن فرم‌های سخن، نقد و اعتراض جامعه با دولت می‌توان شاهد دولت قوی و هم‌زمان جامعه مدنی قوی بود. شاید بتوان با به رسمیت شناختن فرم‌های واقعی و نه دولت خواسته و ساخته، نقد و اعتراض، اعتماد ازدست‌رفته بخشی از جامعه به‌ویژه زنان و مردان جوان را بازیابی کرد. دانشگاه محیط مناسبی برای تمرین و به رسمیت شناختن فرم‌های واقعی سخن‌گفتن، نقد و اعتراض به قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌هاست.

دوگانه قدرت و قانون

به تعبیری بسیار کلی و مختصر، «اقتدار سیاسی، معطوف به توانایی (سخت یا نرم) ایجاد یک نظم حقوقی در جامعه که شهروندان از آن تبعیت و پیروی کنند، است». نکته کلیدی اینکه «مضمون قانون نه اراده صاحب‌منصبان یا انواع ابزارهای اعمال قدرت که در اختیار دارند، بلکه اقناع شهروندان به تبعیت از قانون است».

حال، به هر دلیل، در شرایطی که شهروندان نظر مساعدی نسبت به قوانین نداشته باشند، نظم حقوقی غیرکاربردی می‌شود. عدم مقبولیت نظم حقوقی نزد شهروندان به معنای کاهش اقتدار ساختار مدیریت سیاسی است. به بیانی، غیرکاربردی‌شدن قوانین اجتماعی حاکی از عدم توانایی ساختار مدیریت در استقرار یک نظم حقوقی مقبول و کاربردی در جامعه است. اگر بپذیریم که اقتدار یعنی توانایی یک حکومت به‌منظور تدبیر، تدوین و استقرار یک نظم حقوقی مقبول، آنگاه حضور شهروندان در خیابان برای بیان مطالبات به معنی تضعیف و کاهش مقبولیت نظم حقوقی و در نتیجه تضعیف اقتدار ساختار مدیریت است. کاهش مقبولیت قوانینی (نظم حقوقی)، صرف‌نظر از اراده صاحب‌منصبان و انواع ابزارهای اعمال قدرت، منجر به بی‌نظمی اجتماعی و در نتیجه ناپایدار خواهد بود.

شاید منطقی باشد که صاحب‌منصبانی که به هر دلیل تمایل به حفظ قدرت دارند، تلاش کنند تا سیاست‌هایی برای مقبولیت نظم حقوقی (قوانین) نزد شهروندان تدبیر و اعمال کنند؛ چراکه در اختیار داشتن و حفظ قدرت منهای مقبولیت نظم حقوقی یک تناقض آشکار است.

تداوم یک ساختار سیاسی (صرف‌نظر از نوع ساختار) کلان برایند منتفع‌کردن شهروندان از اطاعت از قانون (نظم حقوقی) است. ازآنجاکه منشأ و فلسفه وجودی قانون (نظم حقوقی) تحقق انواع نیازهای انسانی که در مفاهیمی همچون امنیت، آرامش و رفاه تبلور می‌یابد، است؛ تدبیر، وضع و ایجاد یک قانون نه به‌خاطر تحقق منافع جناحی یا انواع اهداف تاریخی، متافیزیکی یا رؤیاهای وارداتی، پیامدی جز تضعیف نظم حقوقی که منجر به تضعیف اقتدار سیاسی می‌شود، نخواهد داشت.

«خرد»، کاربردی، کم‌هزینه و سودمندترین ابزار تداوم اقتدار سیاسی است. «حضور در خیابان به معنی تضعیف نظم حقوقی است». کم‌هزینه‌ترین راهکار برای آرام و خلوت‌کردن خیابان‌ها، افزایش مقبولیت نظم حقوقی نزد شهروندان است.

بازتاب نقد مشفقانه در اصلاح رویکرد قضائی

ادامه از صفحه اول

درباره جرائمی که به قصد اصلاح اتفاق می‌افتد، معیار وجدان عمومی و هیئت منصفه واقعا مردمی موضوعیت و طریقیت دارد.

۵- عمدتا مواد ۵۰۰ [تبلیغ علیه نظام] و ۶۱۰ [اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت] در قانون مجازات اسلامی بیشترین جامعه آماری تفهیم اتهام‌ها را در پی دارد و قضات با امنیتی تلقی‌کردن این عناوین که نوعا معیار تمایزبخش مشخصی نداشته و به نوعی کشف عنوان آن در اختیار بازپرس و بر مدار اجتهاد سلیقه‌ای است راه را بر دسترسی به وکیل ذیل تبصره ماده ۴۸ سد می‌کنند. این موضوع زمینه‌ای برای صدور بازداشت موقت را نیز فراهم آورده و کنشگری مدنی منتقدانه و حق اعتراض را پرهزینه می‌کند.

۶- رویکرد اساسی‌سازی نظام دادرسی و توجه به حقوق بنیادین و آزادی‌های شهروندی، اقتضا دارد موانع دسترسی آزادانه به وکیل معتمد موکل از مرحله پیشادادرسی تا تمام فرایندهای رسیدگی رفع شود. اما محدودیّت‌ها صرفا در ارتباط با جرائم تروریستی قابل توجه است. تسری آن به هر جرمی که ماهیتا سیاسی بوده یا حتی به نحوی امنیّت داخلی را تهدید می‌کند ناروا قلمداد می‌شود. درمورد جرائم تروریستی قضیه فرق دارد و جنس و نوع آن تدابیر اختصاصی می‌طلبد، اما جرائمی که ناشی از استیفای حق اعتراض رخ می‌دهد، نباید در کنار اقدامات تروریستی قرار گیرد و شهروندان در مظان اتهام را محروم از حقوق کند.

۷- انتخاب عنوان مجرمانه در تفهیم اتهام امری ظریف است و در آن مقطع حساس هم باید به نفع متهم تفسیر شود تا از ارفاقات قانونی محروم نشود. سایه‌گستری امنیتی بر کشف عنوان جرم، خود مانعی فراروی وکلا برای وکالت از موکل می‌شود. به‌ویژه زمانی که متهم تا پیش از صدور حکم همچنان در سنگر اصل برائت محفوظ است. اما به‌محاق‌رفتن حق دسترسی به وکیل در مرحله پیش‌دادرسی تا عینیّت‌نیافتن حق دفاع بدون تشویش متهم در فرایند دادرسی کیفری در غیاب وکیل مورد اعتماد و خود انتخاب، در کنار ایجاد رانت و تبعیض و تعارض منافع و رویه‌های برخی محاکم در پذیرش وکلای خاص که تبعات مالی ناشایسته‌ای در پی داشته زمینه نقض موازین دادرسی منصفانه را فراهم کرده است.

۸- در رسیدگی به جرائم مرتبط با حق اعتراض شهروندان ارجاع پرونده به قضات بی‌طرفی که جانبداری از حکمرانی نداشته و حق اعتراض را باور کرده و بدون پیش‌فرض موازین دادرسی منصفانه را رعایت کنند، ضروری است. موضوعی که به نظر می‌رسد در رویه محاکم انقلاب نیازمند آسیب‌شناسی جدی است. دادگاه‌ها باید با رعایت اصل بی‌طرفی از حکومت قانون دفاع کنند نه ابزار حکومت به‌وسیله قانون باشند. در این ساحت توجه به حقوق اساسی اهمیت می‌یابد. اثربخشی حق تعیین سرنوشت [اصل ۵۶ قانون اساسی] و حق اعتراض [اصل ۲۷ قانون اساسی] موکول به تضمین شایسته است. قانون بدون ضمانت اجرا عینیت پیدا نمی‌کند. کاش به جای دادگاه‌های انقلاب که پس از چهار دهه مبنای تأسیسی آنها به مرور زمان سپرده شده دادگاه قانون اساسی و در دفاع از قانون اساسی و تضمین آن داشته باشیم.

۹- در کنار این موارد مسئله برخورد افراد غیرضابط با شهروندان و به تعبیر رایج لباس‌شخصی‌ها هم مزید بر علت است. وقتی قانون ضابط عام و خاص را در ماده ۲۹ آیین دادرسی کیفری تعریف می‌کند و ضوابطی را بر آن حاکم می‌کند و نهاد جبران خسارت و مؤاخذه و تعقیب را برای آنها پیش‌بینی می‌کند، وجود افراد فاقد هویت قابل شناسایی و غیرقابل دسترس برای گزارش و شکایت خود نقض حق شهروندان است. دلالت ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری و بحث آموزش ضابطان و تحت تعالیم دادستان بودن آنها خود حاشیه امنی برای شهروندان در منع سوءاستفاده از قدرت و عدم کاربست برخورد تند در قبال استیفای حق اعتراض دارد.

۱۰- بدیهی است که دشمن دشمنی می‌کند و ابایی از اینکه مردم را در برابر هم قرار دهد و به کشور خسارت وارد کند و اعتماد و سرمایه اجتماعی را مخدوش کند، ندارد. رسانه‌های سرمایه‌داری خیرخواه ایران نیستند و نسل عصر ارتباطات قوه درک بالایی برای تمییز دشمن و دوست ایران دارد. اما در این میان ما باید به بلوغ دموکراتیک کافی در حق اعتراض برسیم که به‌جای آنکه هر اعتراضی لباس خشونت پرهزینه بر تن کند، زمینه شنیدن صدای معترض بدون کمترین لکنت و مصیبتی برای مردم و حکمرانی فراهم شود. هر خونی که می‌ریزد و هر مالی که نابود می‌شود و هر عزت و کرامتی که می‌شکند تاوان سختی به ایران وارد می‌شود. یک بار برای همیشه باید این مسئله را بازنگری خیرخواهانه کنیم. هر اعتراض خود یک تجربه ملی و تمرین مردم‌سالارانه است، آزمونی برای حاکمیت و شهروندان. برای اصلاح و توسعه و تغییر روندهای ناصواب گفت‌وگوی ملی دلسوزانه و تاب‌آوری را از قوه قضا شروع کنیم.

جدول ۴۳۳۵ • طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- رمانی مشهور نوشته ناتانیل هاثورن آمریکایی- حکمت ارسطو- اسب حضرت علی(ع) ۲- همبستگی- گشاده- فریاد شادی ۳- بالاپوش بلند مردان قدیم- تهی- پارچه‌ای با خاصیت ارتجاعی ۴- هادی الکتریسیته- قدرت- آبکی ۵- خوش‌چهره- ازیادرفته- ویتامین انعقاد خون ۶- زیاده‌خواهی- زمین پست اشباع‌شده از رطوبت- استانی در غرب کشورمان که با عراق هم‌مرز است ۷- نتیجه- خوش‌اندام- کمان ۸- گوشه‌ای در دستگاه ماهور- سرخ‌کردن- همسر یاسر ۹- خطی در دایره- شوکت- پایان ۱۰- عددی دورقمی- اخوت- دوتا نون ۱۱- حرف ندا- کهنه و پوسیده‌شدن- جمع مزیت ۱۲- رنگ موی فوری- بدون حرکت- آماده ۱۳- خمیده و کمانی- پارچه روبالشی- آدم گیج راه می‌رود و می‌خورد ۱۴- مقابل عمدی- ناممکن- میوه‌ای با دانه‌های دارویی ۱۵- واحد طول انگلیسی- عددی یک‌رقمی- امواج بلند دریا که در اثر آتشفشان و زلزله ایجاد می‌شود.

عمودی:

۱- چشم‌انداز- پندارها- عدد ماه ۲- غزوه سال سوم هجرت- نمایشنامه‌ای نوشته مرحوم اکبر رادی ۳- حربه‌ای شبیه شمشیر- منزل آذری- درخت انجیر معابد ۴- الفبای موسیقی- طفیلی- اصطلاحی در فوتبال ۵- روحانی یهودی- حکومت اتحادیه‌ای ۶- پندار- چاره‌اندیشی- نام دختر امام حسین(ع) ۷- فست‌فود آبادانی- زاهد گوشه‌نشین و تارک دنیا- ریه ۸- از انجیل‌های معتبر- کهکشانی که کره زمین به همراه سایر اجزای منظومه شمسی در آن قرار دارد- زمان معین ۹- همسر زن- سنگی زینتی- عصبانی‌شدن ۱۰- دستورات شرعی- پراکندگی- سرکرده ۱۱- شهر خاقانی- طبیعی و معمولی ۱۲- رئیس ده فراش در دوره قاجار- جنگ و نبرد- تکنیک ۱۳- پرچم- مقدار کمی از غذا- سنگینی معده بر اثر هضم‌نشدن غذا ۱۴- پرچم رسمی ایران از دوران کهن تا پایان سلسله ساسانیان- سرزنش ۱۵- وسط- حس بساوایی- از الحان باربد

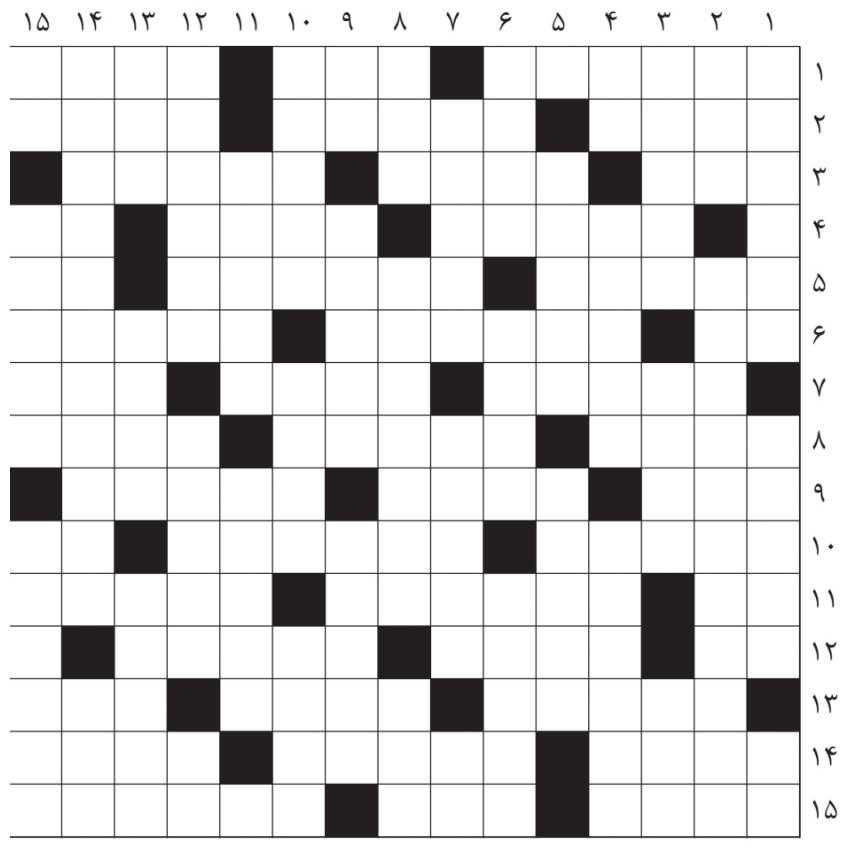

حل سودوکو سخت

۹	۶	۳	۵	۴	۱	۷	۲	۸
۵	۲	۴	۷	۳	۸	۶	۹	۱
۷	۸	۱	۲	۶	۹	۵	۳	۴
۶	۷	۸	۳	۲	۵	۴	۱	۹
۴	۱	۲	۹	۷	۶	۸	۵	۳
۳	۵	۹	۱	۸	۴	۲	۶	۷
۲	۳	۶	۴	۹	۷	۱	۸	۵
۸	۴	۵	۶	۱	۳	۹	۷	۲
۱	۹	۷	۸	۵	۲	۳	۴	۶

حل سودوکو ۳۳۳۰

۷	۹	۱	۵	۳	۲	۴	۸	۶
۵	۴	۲	۸	۶	۹	۱	۳	۷
۳	۶	۸	۴	۱	۷	۹	۵	۲
۸	۷	۴	۱	۲	۵	۳	۶	۹
۱	۳	۵	۶	۹	۸	۲	۷	۴
۹	۲	۶	۷	۴	۳	۸	۱	۵
۶	۱	۹	۳	۷	۴	۵	۲	۸
۲	۵	۷	۹	۸	۱	۶	۴	۳
۴	۸	۳	۲	۵	۶	۷	۹	۱

حل جدول ۴۳۳۴

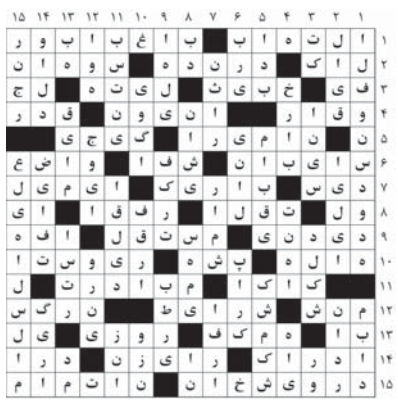

سودوکو سخت ۳۳۳۱

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۸	۵			۲			
۱	۷					۶	۲	
			۵			۹		
			۷			۴		۸
۷	۴			۳			۹	۲
۸		۲			۴			
		۳			۹			
	۹	۷					۳	۱
			۳			۲	۷	

سودوکو ساده ۳۳۳۱

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۷	۹				۲			
				۶	۱	۷		
۵	۱		۷					
		۲	۵		۷	۹	۱	
۳		۵		۲		۸		۶
	۷	۹	۳		۶	۲		
					۸		۹	۷
		۴	۹	۷				
			۶				۳	۲